

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه مُقارَن (۱)

بررسی بخشی از احکام نماز در فقه امامیه
و مذاهب اربعه اهل سنت

جهت استفاده دانشجویان کارشناسی فقه و حقوق اسلامی

سید ابوالحسن حسینی ادیبانی

دانشگاه الزهراء (س)

۱۳۹۳

- سید حبیب حسینی - (س) - پونجیسر - ۱۳۹۶
 عنوان: در بیان فقه مقارن (۱) بررسی بخشی از احکام نماز در فقه
 امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت جهت استفاده دانشجویان کارشناس فقه
 و حقوق اسلامی - سید ابوالحسن حسینی (ادبیاتی)
 مشخصات نشر: تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۳
 مشخصات افزادی: ۳۰۰
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۲-۶۵-۲
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 یادداشت کتابخانه: ص ۲۲۲
 عنوان دیگر: بخشی از احکام نماز: جهت استفاده دانشجویان کارشناسی
 فقه و حقوق اسلامی
 موضوع نماز
 موضوع: فقه تطبیقی
 نوبت: نژوده: دانشگاه الزهراء -
 ردیابی: کنگره: ۱۳۹۳، ۵۳۶۷، ۵۳۶۷-۸۶ BP
 ردیابی: دیویی: ۳۹۷:۳۵۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۸۸۲۶۶



فقه مقارن (۱)

بررسی بخشی از احکام نماز در فقه
 امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت

سید ابوالحسن حسینی ادیانی

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)

ناشر: دانشگاه الزهراء (س)

صفحه‌آرا: حبیب عزیزی

طراح جلد: پیمان فرگاهی

ناظر فنی چاپ: مهسا سرشار

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۲-۶۵-۲

تمامی حقوق برای دانشگاه الزهراء (س) محفوظ است
 مرکز بخش: ونک، دانشگاه الزهراء (س)، تلفن: ۸۸۰۴۸۹۳۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱۳
فصل اول: مقدمات و شرائط نماز	۲۳
مقدمه : مُطَهَّرَات و نجاسات	۲۳
گفتار اول: مُطَهَّرَات (پاک کننده‌ها)	۲۴
گفتار دوم: نجاسات (پلیدی‌ها)	۲۸
مبحث اول: طهارت و اقسام آن	۳۱
گفتار اول: وضو (رافع حدث اصغر)	۳۱
الف. شرائط و مقدمات وضو	۳۲
ب. اجزاء وضو و کیفیت انجام آن	۳۷
۱- شستن صورت	۳۸
۲- شستن دست‌ها و کیفیت آن	۳۹
۳- مسح سر و مقدار آن	۴۱

۴۳		ادله قائلین به مسح تمام سر
۴۵		شستن سر به جای مسح کردن
۴۶		۴- حکم پاها در وضو
۴۸		دلایل وجوب مسح پا
۴۸		بررسی دلالت آیه وضو بر شستن پا
۵۰		توجهاتی در جمع بین قرائت جر و شستن پا
۵۵		روایات شستن پا
۵۷		مسح بر خفین
۶۰		ج. نواقض وضو
۶۵		د. شک در طهارت
۶۵		گفتار دوم: غُسل (رافع حدث اکبر)
۶۶		الف. بعضی از غسل‌های واجب
۶۷		ب. غسل جنابت و موجبات آن
۶۸		ج. غایات غسل جنابت
۶۹		د. واجبات و کیفیت انجام غسل جنابت
۷۱		گفتار سوم: تیمم (طهارت جایگزین)
۷۲		الف. موجبات و مسوغات تیمم
۷۴		ب. چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است
۷۵		ج. واجبات تیمم و کیفیت تیمم
۸۰		د. احکام تیمم

۸۱	ه: چند فرع فقهی پیرامون تیمم
۸۳	مبحث دوم: وقت
۸۴	گفتار اول: دیدگاه مذاهب اسلامی در اوقات نماز
۸۴	الف. وقت ظهرین
۸۶	ب. وقت عشاءین
۸۷	ج. وقت نماز صبح
۸۸	گفتار دوم: جمع بین دو نماز
۸۸	الف: اقوال مذاهب اسلامی در جمع بین دو نماز
۹۰	ب: دلائل جواز جمع دو نماز
۹۰	روایات نبوی
۹۲	روایات اهل بیت
۹۳	موافقت گروهی از دانشمندان اهل سنت
۹۵	ج: خلاصه و مرور
۹۶	مبحث سوم: قبله
۹۶	گفتار اول: قبله چیست؟
۹۷	گفتار دوم: دیدگاه مذاهب اسلامی در استقبال قبله
۹۸	گفتار سوم: چند فرع فقهی در قبله
۱۰۰	مبحث چهارم: لباس نماز گزار
۱۰۱	گفتار اول: مقدار پوشش واجب در نماز
۱۰۲	گفتار دوم: شرائط لباس نماز گزار

۱۰۷	مبحث پنجم: مکان نماز گزار
۱۰۷	گفتار اول: شرائط مکان نماز گزار
۱۰۹	گفتار دوم: نماز در مشاهد مشرقه
۱۱۰	الف: مذاهب اربعه و نماز در مشاهد مشرقه
۱۱۲	ب: مطلوبیت نماز در مشاهد مشرقه
۱۱۴	مبحث ششم: اذان و اقامه
۱۱۵	گفتار اول: حکم اذان و اقامه
۱۱۶	گفتار دوم: فصول اذان و اقامه
۱۱۶	فصول اذان
۱۱۷	فصول اقامه
۱۱۸	گفتار سوم: بررسی فصول اختلافی
۱۱۸	الف: حکم شهادت ثالثه
۱۱۸	۱- شهادت ثالثه به قصد جزئیت
۱۱۹	۲- شهادت ثالثه به قصد رجاء
۱۲۳	ب: حکم حیّ علی خیر العمل
۱۲۴	۱- دلایل جزئیت حیّ علی خیر العمل
۱۲۷	۲- بررسی حذف حیّ علی خیر العمل
۱۲۸	ج: حکم تئویب در اذان صبح
۱۲۸	۱- تئویب چیست؟
۱۳۰	۲- مسروعیت تئویب

فصل دوم: افعال و اجزای نماز.....	۱۳۷
مبحث اول: افعال و اجزای واجب نماز.....	۱۳۷
گفتار اول: نیت.....	۱۳۷
گفتار دوم: قیام.....	۱۴۰
گفتار سوم: تکبیرة الاحرام.....	۱۴۱
گفتار چهارم: قرائت.....	۱۴۳
الف: بسمله و حکم آن.....	۱۴۳
۱. جزئیت بسمله در سوره حمد.....	۱۴۵
۲. جزئیت بسمله در سایر سوره ها.....	۱۴۷
۳. جهر به بسمله در نمازهای جهریه.....	۱۴۸
ب: عناصر تشکیل دهنده قرائت.....	۱۴۹
۱- قرائت سوره حمد.....	۱۴۹
۲- قرائت سوره دیگر.....	۱۵۲
۳- جهر و اخفات در قرائت.....	۱۵۴
گفتار پنجم: رکوع و ذکر آن.....	۱۵۶
الف: واجبات رکوع.....	۱۵۶
ب: ذکر رکوع.....	۱۵۸
گفتار ششم: سجود و ذکر آن.....	۱۵۹
الف: واجبات سجده و ذکر آن.....	۱۶۰

- ب. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ۱۶۱
- ج. خلاصه و مرور ۱۶۴
- د. سجده بر تربت حسینی ۱۶۵
- گفتار هفتم: تشهد ۱۶۷
- الف. حکم تشهد ۱۶۷
- ب. ذکر تشهد ۱۶۸
- ج. ذکر صلوات در نماز ۱۶۹
- ۱- فلسفه صلوات بر پیامبر (ص) ۱۷۰
- ۲- کیفیت فرستادن صلوات ۱۷۱
- ۳- موارد وجوب صلوات ۱۷۴
- ۴- حکم صلوات بر غیر پیامبر (ص) ۱۷۷
- گفتار هشتم: سلام و ذکر آن ۱۷۸
- گفتار نهم: ترتیب و موالات ۱۸۰
- مبحث دوم: افعال و اجزای مستحب نماز ۱۸۰
- گفتار اول: قنوت ۱۸۰
- گفتار دوم: تعقیبات نماز ۱۸۲
- فصل سوم: احکام خلل در نماز ۱۸۵
- مبحث اول: مبطلات نماز ۱۸۵

گفتار اول: تعداد مبطلات.....	۱۸۵
گفتار دوم: بررسی دو مبطل مورد اختلاف.....	۱۸۷
الف. تکفیر (قرار دادن دست راست بر روی دست چپ).....	۱۸۷
بررسی ادله تکفیر.....	۱۸۹
ب. تأمین (گفتن آمین).....	۱۹۰
بررسی ادله تأمین.....	۱۹۲
مبحث دوم: سهویات نماز.....	۱۹۳
گفتار اول. سجده سهو چیست؟.....	۱۹۴
گفتار دوم. حکم سجده سهو.....	۱۹۴
گفتار سوم. اسباب سجده سهو.....	۱۹۵
گفتار چهارم. محل انجام سجده سهو.....	۱۹۸
گفتار پنجم. تکرار و عدم تکرار سجده سهو.....	۱۹۹
گفتار ششم. چند فرع در سهویات نماز.....	۱۹۹
مبحث سوم: شکیات نماز.....	۲۰۰
گفتار اول: شک در افعال.....	۲۰۱
گفتار دوم: شک در رکعات.....	۲۰۲
گفتار سوم: نماز احتیاط چیست؟.....	۲۰۳
گفتار چهارم: چند فرع فقهی در نماز احتیاط.....	۲۰۳
گفتار پنجم: ظن در رکعات و افعال.....	۲۰۴

۲۰۵	فصل چهارم: بعضی از نمازهای یومیه
۲۰۵	مبحث اول: نماز جماعت
۲۰۵	گفتار اول: حکم جماعت در فرائض
۲۰۷	گفتار دوم: حکم جماعت در نوافل
۲۰۸	الف. نماز تراویح چیست؟
۲۱۰	ب. بررسی مشروعیت نماز تراویح
۲۱۳	گفتار سوم: شرایط امام جماعت
۲۱۷	گفتار چهارم: شرایط شرکت در جماعت
۲۱۸	گفتار پنجم: شرایط صحت جماعت
۲۱۸	الف: اتصال صفوف
۲۱۹	ب: متابعت ماموم
۲۲۱	گفتار ششم: ملحق شدن به نماز جماعت
۲۲۲	گفتار هفتم: کیفیت نیت در جماعت
۲۲۳	گفتار هشتم: در تعدد امام جماعت
۲۲۴	مبحث دوم: نماز مسافر
۲۲۴	گفتار اول: رُخْصَت یا عَزِیمَت قصر
۲۲۵	الف. دلایل عزیمت قصر
۲۲۶	ب. دلایل رخصت قصر
۲۲۸	گفتار دوم: شرایط صحت قصر
۲۲۸	الف. پیمودن مسافت

- ب. مفارقت بلد..... ۲۳۰
- ج. اباحه سفر..... ۲۳۰
- د. عدم نیت اقامت..... ۲۳۱
- ه. عدم استمرار سفر..... ۲۳۳
- و. چند فرع فقهی در نماز مسافر..... ۲۳۵
- فهرست منابع..... ۲۳۷

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

از مشخصات دین مقدس اسلام دعوت پیروان خود به تفقه و اجتهاد در معرفت دینی و فراگیری معارف و احکام همراه با تحقیق و پژوهش است.

"...فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ" (توبه / ۱۲۲) پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان [از کفر الهی] دوری گیرند.

زمانی که رسول خدا (ص) در بین مردم حضور داشت، خود آن حضرت مرجع و ملجأ مسلمانان در همه حوادث و مشکلات و از جمله پاسخگوی سؤالات مردم در حوزه دین بود و مسلمانان خود را از اجتهاد و استنباط بی‌نیاز می‌دیدند.

پس از رحلت آن حضرت و گسترش فتوحات اسلامی و آشنایی با فرهنگ و رسومات اقوام غیر عرب و برخورد با مسایل جدید، به دلیل فقدان یا اجمال دلیل، در پاره‌ای از مسایل میان مسلمانان اختلافاتی بروز کرد؛ زیرا آنان در راستای تحقق دعوت قرآن در فهم دقیق و صحیح احکام و تشخیص وظیفه، خویش را نیازمند به تفقه و اجتهاد می‌دیدند.

این احساس نخست در بین اهل سنت به علت اعتقاد خاص آنان در امر خلافت و جانشینی رسول خدا (ص) و بی‌نیاز دیدن خود از علوم و معارف اهل بیت (ع) پدیدار گردید،

ولی در بین پیروان اهل بیت (ع)، رواج اجتهاد به معنای شایع و گسترده آن پس از دریافت اصول و قواعد کلی از امامان معصوم (ع) در مقوله استنباط احکام "عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأَصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ"^۱ به آغاز غیبت کبری بر می‌گردد. زیرا آنان به دلیل حضور امامان معصوم (ع) و دسترسی نسبی به آنان به اجتهاد به معنای وسیع و گسترده آن نیازی پیدا نمی‌کردند، و به عقیده آنان اقوال، افعال و تقریرات امامان (ع) به منزله قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) است و در حجیت آن هیچ گونه تردیدی به خود راه نمی‌دادند.

در راستای تحقق اجتهاد و استنباط احکام، لازم بود که قبلاً دانشمندان اموری را به عنوان مبانی استنباط و مصادر تشریع پذیرفته باشند تا آنها را مستند و مدرک استنباط فقهی خود قرار دهند. بعضی از این اصول و مبانی مثل کتاب و سنت و اجماع مورد اتفاق دانشمندان همه مذاهب اسلامی بوده است، گرچه در شرایط و کمیت و کیفیت آنها دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است؛ مثلاً در معیار حجیت اجماع، عدالت صحابه، محدوده و قلمرو سنت و... اما برخی از اصول و مبانی، به بعضی از مذاهب اختصاص داشته که در "مَا لَا نَصَّ فِيهِ" یعنی جایی که نص صریحی در آن وجود نداشته باشد به آن مراجعه می‌کردند، مثل قیاس و استحسان در فقه حنفی^۲؛ استحسان و مصالح مُرسَلة و قول صحابی و عمل مردم

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴۱/۱۸، ح ۵۲.

۲. فقه حنفی منسوب به امام ابوحنیفه؛ نعمان بن ثابت بن زوطی کوفی است؛ وی ایرانی الاصل؛ و جدش زوطی از اسیران کابل بود و پدرش در کوفه آزادی یافت؛ وی در سال ۸۰ در کوفه زاده شد و در سال ۱۵۰ از دنیا رفت؛ و قبر او در اعظمیه بغداد زیارتگاه اهل سنت است. ابوحنیفه غیر از رسائل کوچکی که یکی از آنها موسوم به "الفقه الاکبر" است کتابی تألیف نکرده است؛ و مذهب او توسط دو تن از یارانش محمد ابن حسن شیبانی و ابو یوسف قاضی القضاة رواج یافته است. از کتابهای مهم فقه حنفی؛ المبسوط؛ از شمس الدین سرخسی. البناية فی شرح الهدایة از محمود بن احمد عینی. البدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع، از ابوبکر بن منصور کاسانی، رد المختار علی الدر المختار، از محمد امین مشهور به ابن عابدین و... است.

(- ر.ک.؛ دکتر مشکور؛ فرهنگ فرق اسلامی؛ ص ۱۷۰. جمعی از نویسندگان؛ دائرة المعارف الاسلامیه؛

مدینه در فقه مالکی؛ قیاس و فتوای صحابی و سد ذرائع در فقه شافعی^۱؛ قیاس و مضائق مرسله و سد ذرائع و فتوای صحابی در فقه حنبلی^۲، که هیچ یک از آن‌ها به معنای اصطلاحی مورد قبول فقهای امامیه نمی‌باشند. مبانی استنباط و مصادر تشریع از نظر امامیه عبارتند از: کتاب، سنت، اجماع، عقل و اصول عملیه برائت، احتیاط، تخیر و استصحاب.

بدیهی است، یکی از آثار اجتهاد بر پایه اصول و مبانی یاد شده اختلاف در فتاوی بوده است. البته بعد از رحلت رسول خدا (ص) تا قرن دوم و سوم هجری اختلاف در احکام کمتر

۱. فقه مالکی منسوب به امام ابو عبدالله؛ مالک بن انس بن ابی عامر اصبحی است. وی در سال ۹۳ در مدینه زاده شد و در سال ۱۷۹ هجری در مدینه از دنیا رفت. کتاب "الموطأ" در حدیث از آثار اوست؛ و کتاب "المدونة الکبری" در فقه را شاگردش عبدالرحمان بن قاسم از او روایت کرده است. از کتابهای معروف فقه مالکی می‌توان: بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، از ابن رشد اندلسی، الکافی فی فقه اهل المدينة المالکی، از ابن عبد البر اندلسی، الاعتصام، از ابراهیم بن موسی شاطبی، الفقه المالکی و ادلته، از حبيب بن طاهر و... را نام برد. (- رک: دکتر مشکور؛ تاریخ فرق اسلامی؛ ص ۳۸۴. دکتر گرجی؛ تاریخ فقه و فقها، ص ۸۴)

۲. فقه شافعی منسوب به محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع از اولاد مطلب بن عبدالمناف است؛ و عبد المناف جد سوم رسول خدا (ص) است؛ وی در سال ۱۵۰ در غزه به دنیا آمد و در سال ۲۰۴ هجری در مصر از دنیا رفت. و کتاب "الرساله" در اصول فقه؛ و کتاب "الحجیه" و کتاب "الام" در فقه از آثار اوست. از کتاب‌های فقه شافعی: المذهب، از ابو اسحاق شیرازی، المجموع شرح المذهب، از محی الدین ابن شرف نووی، التهذیب فی فقه الامام الشافعی، از محمد بن حسین بغوی، نهایة المحتاج فی شرح المنهاج؛ از ابن شهاب رملی، معنی المحتاج از محمد بن محمد شربینی و... است. (- رک: دکتر مشکور؛ تاریخ فرق اسلامی؛ ص ۲۵۰. دکتر گرجی؛ تاریخ فقه و فقها؛ ص ۸۴)

۳. فقه حنبلی منسوب به احمد بن حنبل شیبانی است؛ وی ایرانی الاصل از شهر مرو؛ و پدرش حاکم سرخس بود؛ او در سال ۱۶۴ در بغداد به دنیا آمد و در همان شهر در سال ۲۴۱ هجری از دنیا رفت. و کتاب "المسند" در حدیث؛ شامل بیش از سی هزار حدیث از آثار اوست. از کتابهای فقه حنبلی: المغنی، از ابن قدامة مقدسی، الکافی فی فقه الامام احمد حنبل از ابن قدامة مقدسی، الفتاوی الکبری، از ابن تیمیه حرانی، اعلام الموقعین، از ابن قیم جوزیه و... است. (- دکتر مشکور؛ تاریخ فرق اسلامی؛ ص ۱۶۸. دکتر مصاحب، دائرة المعارف فارسی، ۸۶۸/۱)

بود و مسلمانان خود را به هیچ مذهبی منسوب نمی‌کردند، بلکه فقط به نام اسلام مفتخر بودند تا اینکه اهل فتوی زیاد شدند و در اکثر مسائل فقهی، اختلاف نظر به وجود آمد و در بین اهل سنت دهها مذهب فقهی پیدا شد، تا آنجا که خلفا و زمامداران ظاهراً به اسم جلوگیری از اختلاف بیشتر و ایجاد وحدت رویه در امر قضا و داوری باب اجتهاد را سد کردند و به چهار مذهب که از پیروان بیشتری برخوردار بودند، رسمیت بخشیدند. در سال ۶۶۵ ه. ق ملک ظاهر در مصر باب اجتهاد را مسدود نمود،^۱ مقریزی در این مورد می‌نویسد:

«ولایت قضات اربعة در شهر مصر از سال ۶۶۵ استمرار یافت تا زمانی‌که در تمامی شهرهای اسلامی مذهبی باقی‌نماند تا شناخته شود به جز "مذاهب اربعة" و هر کس به غیر آن مذاهب مؤمن بود، ناچار به ترک آن مذهب شد و گرنه از او چیزی پذیرفته نمی‌شد، نه به منصب قضاوت منصوب می‌شد و نه شهادت او در دادگاه قبول بود، مگر آن که به یکی از مذاهب چهارگانه مؤمن گردد زیرا فقهای مذاهب چهارگانه به وجوب پیروی از این مذاهب فتوی داده بودند و پیروی و عمل به غیر این مذاهب را تحریم کرده بودند تا به امروز».^۲ (یعنی زمان حیات مقریزی متوفای ۸۴۵ ه. ق) و این مسأله به دیگر بلاد اسلامی نیز سرایت کرده و مسلمانان خود را به یک مذهب فقهی منسوب کرده‌اند. آری وابستگی به پیشوایان مذاهب فقهی

۱. بَیْرُوس ملقب به ملک ظاهر رکن الدین چهارمین سلطان مصر از سلسله ممالیک بحری. مصاحب دائرة المعارف فارسی ۴۸۲/۱. در دائرة المعارف الاسلامیة نیز آمده است "و هو الذي ابتدع العادة المتبعة في بلاد اهل السنة و هي أن يكون لكل مذهب من المذاهب الاربعة قاض خاص" جمعی از نویسندگان. دائرة المعارف الاسلامیة ۳۶۶/۴.

۲. مقریزی: تقی الدین احمد بن علی مغربی، الخطط المقریزیة ۳۴۴/۲. نک: اجتهاد و مذاهب اسلامی، علامه آغا بزرگ تهرانی. همچنین سخنان استاد احمد مصطفی زرقاء، المدخل الفقهی، ۱/۱۷۷. عبد الرزاق بن فوطی، الحوادث الجامعة، ص ۲۱۷. عبد الوهاب خلاف، خلاصة التشريع، ص ۳۴۲. السید سابق، فقه السنة،

یک ضرورت مذهبی و حالت تقدّس و شعاریت به خود گرفته بود، چنانکه اگر کسی به پیامبر اسلام (ص) وابستگی نمی‌داشت، نمی‌توانست ادعای مسلمانی کند، همین طور اگر به یکی از پیشوایان و مذاهب اسلامی وابستگی نمی‌داشت، نمی‌توانست ادعای تسنّن داشته باشد. از آن پس کتاب‌هایی که نگاشته می‌شد غالباً از اجتهاد و نوآوری و اظهار نظر فقهی به دور بود و جنبه شرح و توضیح یا تطبیق قواعد اصولی با فقه مذهب خاصی را داشته است.

انسداد اجتهاد در مذاهب فقهی اهل سنت تا جنگ جهانی استمرار یافت ولی بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای اسلامی با ملل غربی ارتباط برقرار کرده و بیش از پیش با تمدن غرب آشنا شدند و از آن‌ها تأثیر زیادی پذیرفتند و همین امر موجب شد تا مسلمانان برای ایجاد سازگاری با مسایل روز جهان در امور شرعی تجدید نظرهایی به عمل آورند. لذا خود را ناچار دانستند که دو باره به اجتهاد روی آورند و در هر مسأله‌ای رأی مذهبی را بپذیرند که سازگاری بیشتری با این مسایل داشته باشد. به همین جهت برخی از دانشمندان بزرگ مانند شیخ محمود شلتوت پیروی از مذهب شیعه جعفری را تجویز نمودند، با این که چنین امری در گذشته حتی تصورش هم آسان نبود.

افزون بر آن با پیدایش مسایل جدید مانند بیمه، مسائل مربوط به خانواده، تساوی حقوق، مسایل اقتصادی، معاملات بانکی، مسائل مستحدثه پزشکی و... این فکر در بین دانشمندان مسلمان سنی مذهب قوت گرفت که دگر بار باب اجتهاد گشوده شود و با توجه به روح شرع، ظواهر برخی از نصوص، مصالح و مقتضیات زمان و آرای صاحب نظران گذشته، مسایل شرعی از نو مورد بررسی قرارگیرد.^۱

اما اجتهاد در میان شیعیان روند دیگری داشته است؛ در مذهب شیعه اجتهاد از آغاز زمان غیبت کبری تاکنون روند تکاملی داشته و همواره در مسیر اعتلاء، استقلال، اعتدال و توسعه گام برداشته است. تنها در دو مقطع زمانی در آن وقفه‌ای ایجاد گردید؛ یکی در نیمه دوم قرن پنجم و

قرن ششم (متجاوز از یک قرن) که فقها، به علت اہت علمی شیخ طوسی، بیشتر بر رأی او پای فشرده و از اظهار نظر فقهی جدید خودداری می‌کردند، ولی طولی نکشید که نهضت جدید اجتهاد آغاز گردید و آرای شیخ مورد نقد و بررسی قرار گرفت^۱ و یکی از درخشان ترین دوره فقه امامیه توسط ابن ادریس و ابن زهره حلّی و محقق حلّی و علامه حلّی و شهیدین... به وجود آمد.

مقطع زمانی دوم در نیمه دوم قرن یازدهم بود که با پیدایش مذهب اخباری‌گری، در علم اصول، رکود پدید آمد و مکتب فقهی امامیه به سمت اخباری‌گری سوق داده شد، ولی طولی نکشید که در نیمه دوم قرن دوازدهم، این گرایش فقهی در برابر گرایش اصول‌گرا، شکست سختی خورد و از آن تاریخ تا کنون صدها سال است که فقه امامیه با معیار اجتهاد اصولی، در حال رشد و بالندگی و تکامل و پویائی است.

تفاوت دیدگاه‌های مذاهب اسلامی در احکام و مسائل فقهی چشمگیرتر از سایر علوم اسلامی است، البته این تفاوت بین هر مذهبی از اهل سنت با مذهب دیگر وجود دارد، ولی تفاوت دیدگاه مذهب امامیه با مذاهب اهل سنت به علت دیدگاه خاص امامیه در مسأله امامت و خلافت و به تبع آن در سایر علوم و معارف اسلامی بارزتر و چشمگیرتر است؛ زیرا شیعه امامیه طبق گفته ابان بن تغلب^۲: کسانی اند که وقتی که مردم در گفتار پیامبر(ص) با یکدیگر اختلاف کنند، قول علی(ع) را می‌پذیرند و هنگامی که درباره سخن علی(ع) اختلاف پیش آید، آنها قول جعفر بن محمد(ع) را قبول می‌کنند. یعنی کسانی که همه معارف اسلامی در زمینه‌های مختلف کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی و... را از امامان اهل بیت(ع) می‌گیرند، در نتیجه تفاوت دیدگاه شیعه در این حوزه‌ها متفاوت از دیدگاه مذاهب اهل سنت با یکدیگر است.

۱. خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات، ۶/ ۲۷۵ و ۲۲۰ و ۲۴۸. حکیم، سید محمد تقی، الاصول

العامة للفقہ المقارن، الاجتهاد بین الانسداد والانفتاح: ص ۵۸۰.

۲. "الشیعة الذین اذا اختلف الناس عن رسول الله (ص) أخذوا بقول علی(ع) وإذا اختلف الناس عن علی(ع)

أخذوا بقول جعفر بن محمد(ع)"نجاشی، رجال النجاشی: ص ۹.

در این بین، مذاهب اسلامی با تکیه بر اصول ثابت و قواعد مقرر از دیدگاه خود به بحث و ارایه نظر و استنباط احکام می پرداخته اند، و همچنین از مطالعه دیگر مذاهب فقهی و مقایسه و بررسی آن ها با یکدیگر علوم دیگری را به وجود آوردند که اصطلاحاً علم الخلاف یا علم الخلافیات یا وفاقیات نامیده می شدند. کتاب "مسائل الناصریات" و "کتاب الخلاف" و "تذکره الفقهاء" در مذهب امامیه^۱ و کتاب "اختلاف الفقهاء" و "الحاوی الکبیر" و "بداية المجتهد و نهاية المقتصد"^۲ در بین اهل سنت حکایت از نخستین مراحل مطالعه تطبیقی فقه دارد.

با اینکه در قرن های نخست در حوزه های علمیه اسلامی؛ آرای فقهی موافق و مخالف بدون دغدغه طرح می شد و مورد مطالعه و بررسی قرار می گرفت؛ ولی از قرن هشتم مذاهب مختلف فقهی بر اثر تعصبات گروهی از طرفین از یکدیگر جدا شدند و علم خلاف رو به فراموشی گذاشته شد؛ جای خود را به مطاعن و خصومت مذاهب با یکدیگر داد، دراین رابطه حوادث تکان دهنده ای در تاریخ ثبت شده که جهت اختصار از نقل آنها خودداری می شود.

این حوادث تلخ که از عمق ناآگاهی مسلمانان؛ حتی علمای مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر خبر می داد؛ زنگ خطر را برای عالمان بیدار به صدا درآورد؛ و سبب شد تا بزرگان مذاهب بار دیگر به فکر تأسیس مراکز تقریبی و مقارنه ای سوق داده شوند؛ آیه الله بروجردی متوفای ۱۳۸۰ ه. ق، روایت امام باقر علیه السلام را که در وصف حج پیامبر اکرم (ص) بود و همه ی مذاهب اسلامی آنرا مشترکاً قبول داشتند برای حاکم سعودی ارسال کرد تا همه ببینند که مأخذ حج شیعه و سنی یکی است؛ و در اغلب موارد با هم مشترکند در قاهره به همت تعدادی از علمای مذاهب اسلامی دارالتقریب تأسیس شد و مناسک حج شیعه و سنی به صورت متقارن در آنجا تدوین گردید و توسط حسن البناء - رهبر الإخوان المسلمین و یکی از اعضای جماعت

۱. به ترتیب از سید مرتضی علم الهدی؛ متوفای / ۴۳۶، شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای /

۴۶۰، علامه حسن بن مطهر حلی؛ متوفای / ۷۲۶ ه. ق.

۲. به ترتیب از احمد بن محمد طحاوی متوفای / ۳۲۱، احمد بن علی ماوردی؛ متوفای / ۴۵۰ و ابن رشد اندلسی؛

متوفای / ۵۹۵ ه. ق.

تقریب - در روزنامه إخوان - تنها روزنامه‌ای که اجازه‌ی ورود به خاک عربستان را داشت - چاپ و در موسم حج میان حجاج منتشر شد.

فقه‌های بزرگ مذاهب اسلامی که به ضرورت احیای مجدد علم الخلاف و فتح باب اجتهاد برای برون رفت از بن‌بست‌های فقهی و عدم تکرار حوادث تلخ تاریخی بی‌برده بودند؛ در مصر؛ تونس؛ دمشق و ایران برای احیای مجدد آن حرکت‌های گسترده‌ای را آغاز کردند و این بار آن را فقه مقارن نامیدند. در ایران رهبر این حرکت مبارک مرجع عالی‌قدر آیه الله بروجردی زعیم حوزه‌ی علمیه قم بود که می‌فرمود: فقه شیعه باید همراه با آگاهی از نظریات و افکار دیگران باشد و از حالت اختصاصی به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل شود و فقیه باید به آرای گذشتگان اعم از فقه‌های اهل سنت و شیعه رجوع کند و آنگاه مسأله را مطرح سازد. در مصر این حرکت ابتدا به دست "محمد مراغی کبیر" شیخ بزرگ الازهر آغازگردید، وی با مقاله علمی خود به فتح باب اجتهاد پرداخت و پیشنهاد داد کرسی تدریس برای فقه مقارن در دانشکده‌های الازهر دایرگردد و لجنه‌ای نیز به ریاست او درباره‌ی قانون خانواده تحت عنوان "الاحوال الشخصیه" بدون تقید به مذهبی از مذاهب چهارگانه تشکیل گردید. سپس شیخ عبدالمجید سلیم - فقیه بزرگ و شیخ الازهر و وکیل دارالتقریب - به تهیه‌ی مقدمات تاریخی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامی و زیدی پرداخت؛ تا آنکه شیخ بزرگ الازهر شیخ محمود شلتوت در زمان ریاستش در تاریخ ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۸۰ قمری دوست روز میلاد امام صادق (ع) این فتوای تاریخی را رسماً اعلام کرد و به اتفاق استاد علی سبیس به تدوین کتابی در فقه مقارن با عنوان "مقارنۃ المذاهب فی الفقه" پرداخت. پس از آن شیخ محمد محمد مدنی - رئیس دانشکده‌ی الشریعه الازهر - با وارد کردن فقه شیعه در دوره فقه مقارن دانشکده الازهر تحول جدیدی را آغاز کرد و افق‌های تازه‌ای را پیش روی دانش پژوهان اسلامی گشود و در این باره سلسله مقالات ارزشمندی را تحت عنوان «اسباب اختلاف الفقهاء» ارائه نمود که در مجله‌ی رساله الاسلام به چاپ رسید.^۱

۱. رک: مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن ص ۹۶.

با عنایت به مطالب یاد شده، فقه مقارن یا علم الخلاف سابق؛ قدمت هزارساله دارد و مرحله تکامل یافته علم الخلاف است؛ و به گفته صاحب نظران؛ علم خلاف عبارت است از علم به احکام اختلافی فقهای مذاهب و اثبات دیدگاه فقهی مذهب خاصی و هدم دیدگاه فقهی طرف مخالف. ولی فقه مقارن عبارت است از جمع بین فتوای صادره از فقهای مذاهب و مقایسه بین آنها از راه بررسی دلایل آنها و ترجیح بعضی بر بعض دیگر.^۱

در بین فقیهان متأخر مذاهب اسلامی نیز کتب بسیاری در این زمینه به رشته تحریر درآمده؛ که به عنوان نمونه می‌توان از کتاب‌های "الفقه علی المذاهب الاربعة" و "مقارنة المذاهب فی الفقه" و "الموسوعة الفقهیه موسوم به موسوعة جمال عبدالناصر" و "الفقه علی المذاهب الخمسه"^۲ نام برد. البته فقهای یک مذهب نیز به علت دور شدن از عصر تشریع و اختلاف در سند و دلالت روایات و احکام موضوعات مستحدثه و... به اختلافاتی در زمینه مسائل فقهی مبتلا می‌شدند که به تدریج گسترش می‌یافت که در این زمینه نیز کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده است. که نمونه آن دو فقه امامیه، کتاب "مختلف الشیعة فی احکام الشریعه" از علامه حلی است.

با عنایت به آنکه، هر مسلمان با هر مذهب و مرامی مخاطب این آموزه قرآنی است که برترین رأی را برگزیند "فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ" (زمر / ۱۸) بشارت ده به آن پیروان من که: به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه را به آنان نموده و اینانند همان خردمندان. و براین اساس؛ مطالعات تطبیقی فقه مذاهب اسلامی یکی از وظایف اساسی است.

۱. حکیم، الاصول العامة للفقه المقارن، ص ۹.

۲. به ترتیب از عبدالرحمن جزیری؛ متوفای ۱۳۶۰ هـ.ق. شیخ محمود شلتوت؛ شیخ الازهر؛ متوفای ۱۳۸۳ هـ.ق.

۳. محمد جواد مغنیه، متوفای ۱۴۰۰ هـ.ق.

افزون بر آنچه گفته شد؛ فواید و برکاتی که می‌تواند اهداف تدریس فقه مقارن باشد، به ترتیب ذیل است:

۱- فقه مقارن روشی است استوار و منطقی، جهت دست‌یابی به احکام واقعی اسلام از راه نقد و بررسی منصفانه مبانی استنباط و مصادر تشریع مذاهب اسلامی.

۲- فقه مقارن راهبرد مناسبی است برای پایان بخشیدن به گرایش‌های احساسی، عاطفی و تعصبات مذهبی و دخالت ندادن آن‌ها در تحقیقات علمی و استنباط احکام شرعی.

۳- فقه مقارن فرصتی است برای آشنایی صاحب نظران اسلامی با مبانی استنباط یکدیگر و گامی است در کم کردن زمینه‌های اختلاف بین آن‌ها.

۴- فقه مقارن تأثیر عوامل غیر علمی در برداشت‌های فقهی مذاهب را نمایان و نفوذ قدرتهای حاکم در مقوله‌های فرهنگی را آشکار می‌سازد، به ویژه نقش گرایش‌های سیاسی در شکل‌دهی بعضی از دیدگاه‌های فقهی را به خوبی روشن می‌کند.

در راستای تحقق اهداف یاد شده و آشنایی دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی با فقه دیگر مذاهب اسلامی؛ ۴ واحد درسی تحت عنوان فقه مقارن ۱ و ۲ به این امر اختصاص یافته؛ که اولی در موضوع نماز و دومی در موضوع ازدواج و طلاق است. کتاب حاضر به بررسی موضوع فقهی «نماز» به صورت مقارنه‌ای پرداخته و دلایل فقهی مذاهب پنج‌گانه اسلامی را در برخی از مسائل مهم و اساسی آن به بحث نهاده است، امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقمندان نیز از آن بهره‌مند شوند و با مطالعه آن پاسخ برخی از سؤالات و پرسش‌های فقهی را بیابند.

سید ابوالحسن حسینی ادیان